یادداشت

چرا مناظره‌ها جواب نداد؟

علی‌محمد نمازی*

● مهم‌ترین پارامترهای مورد نیاز برگزاری یک انتخابات رقابتی و تأمین‌کننده خواست و اراده اکثریت مردم عبارت‌اند از: قانون و مقررات درست، شیوه و روش به‌روز و مدرن، امکانات سخت‌افزاری، زمان مناسب و مهلت کافی، مجریان و ناظران بی‌طرف، فهرست فراگیر انتخاب‌شوندگان، امکان و ابزار آشنایی رأی‌دهندگان با برنامه‌ها، سوابق و توانایی نامزدهای انتخابات و چنانچه اعتدال و تناسب بین موارد فوق‌الذکر رعایت نشود، شکل کار ناخوشایند و آزاردهنده بوده و محتوا نیز کیفیت لازم را نخواهد داشت.

شکل و شیوه برگزاری انتخابات در کشورمان قدیمی، کهنه و ناکارآمد است. فقدان مهم‌ترین ابزار برگزاری دموکراتیک انتخابات یعنی همان کارکرد حزبی و در نتیجه مجری و ناظر خود حاکمیت است و کاندیداهایی که باید در جریان چرخش دموکراتیک قدرت، صاحبان احتمالی آینده قدرت باشند از سوی مسئولان فعلی یا به عبارتی رقیبان در قدرت تأیید صلاحیت و گزینش می‌شوند و نتیجه آن خط‌خوردن کاندیداهای تراز مردم از جناح اصلی و عدم معرفی برنامه مناسب اداره کشور می‌شود. متأسفانه فیلتر عبور کاندیداها دوره به دوره تنگ‌تر شده و منادیان جدی اصلاح وضع موجود قادر به عبور از آن نیستند. نمونه واضح آن احراز صلاحیت‌ها در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی و دو انتخابات در حال برگزاری است.

موضوع این یادداشت، پرداختن به یکی از وسایل کمک‌کننده به معرفی کاندیداها یعنی ابزار «مناظره» است که از سوی سیمای جمهوری اسلامی روی آنتن رفته و چون در ارتباط حق تعیین سرنوشت ملت است، اصولا باید یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های این رسانه باشد که به‌دلیل عدم استفاده درست از این اهرم به منظور معرفی فراگیر کاندیداها آن‌هم در شرایط کرونایی و عدم امکان اجتماع، به استناد گزارش‌ها چندان مورد استقبال قرار نگرفته است و جای تعجب دارد که چرا مسئولان امر در سیما بلافاصله پس از پخش مناظره اول به‌دنبال ارزیابی نظر بینندگان یا حداقل صاحب‌نظران نبوده تا نواقص برطرف شود؟ بینندگان شاهد بودند که در دومین برنامه، نحوه برگزاری مناظره‌ها با مخالفت خود کاندیداها مواجه شد!

چرا مناظره که در انتخابات نظام‌های دموکراتیک مورد استفاده است، در انتخابات ایران که اجرای آن سابقه طولانی در جلسات درس حوزه‌های علمیه و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی بین منتقدان و حتی مخالفان نظام جمهوری اسلامی از یک طرف با موافقان و مدافعان مورد استفاده قرار گرفت، جواب نداده است؟ به نظر نگارنده منشأ عمده اشکالات به دو مورد برمی‌گردد: الف- نبود کارکرد حزبی در اداره کشور و به‌خصوص در برگزاری انتخابات. نتیجه چنین حالتی ثبت‌نام چندصدنفری کاندیداهاست که موجب شهرت کاذب برای خیلی‌ها می‌شود و استفاده از ابزار ردصلاحیت‌ها برای حذف رقبای جدی و همچنین کاهش کاندیداها به زیر ۱۰ نفر است که از آثار آن ضربه به کیفیت انتخابات و از عوامل مشکل‌برگزارشدن مناظره‌ها و فراهم‌آمدن زمینه نارضایتی ردصلاحیت‌شدگان می‌شود. ب- عدم رعایت شرایط مناظره. هدف از انجام مناظره، طرح و تبادل نظرات درباره یک یا چند موضوع یا مسئله مورد توجه رأی‌دهندگان است که حل آنها، تأثیر مثبتی بر روند زندگی مردم و پیشرفت کشور دارد و کشف حقیقت و شناخت کاندیدای اصلح را به ارمغان می‌آورد. برای دستیابی به این هدف: الف- مناظره باید بین دو نفر و سر یک موضوع یا مسئله صورت بگیرد تا امکان مقایسه جواب‌ها برای بینندگان و شنوندگان فراهم باشد؛ نه هفت نفر با سؤال‌های جداگانه که نه‌تنها سودی ندارد، بلکه موجب خستگی بیننده و مستمعان خواهد شد. ب- زمان برای جواب‌دادن کافی باشد؛ نه سه، چهار دقیقه. ج- در تعیین موضوع و سؤال نظر متخصصان و حتی کاندیداها دریافت و مورد توجه قرار گیرد. د- کاندیدا مکلف به ارائه دیدگاه و برنامه خود برای حل مشکل باشد و مجری نیز نباید اجازه خروج کاندیدا از دستور را بدهد. ه- مناظره با نیت خیر و در شرایط منصفانه صورت بگیرد که در صورت رعایت شرایط مذکور، مناظره روان ادامه یافته و منجر به جدل و کشمکش نخواهد شد. و- اگر صداوسیمای خصوصی رقیب صداوسیمای دولتی وجود داشت، مناظره‌ها جذاب‌تر می‌شد.

پیشنهاد می‌شود: ۱- کارکرد حزبی بر انتخابات حاکم و کاندیداهای اصلی از دو، سه نفر تجاوز نکنند. ۲-اجازه تأسیس صداوسیما توسط بخش خصوصی داده شود. ۳- انتخابات با شیوه مدرن و شمارش آرا توسط ماشین انجام شود. ۴-مناظره‌ها با شرایط استاندارد برگزار شود. ۵- اگر کاندیدایی به جای نقد رقیب به نقد یا تخریب دولت پرداخت، ضمن تحمل جریمه مورد توافق، دولت یا دستگاهی که مورد ظلم قرار گرفته بتواند متناسب از خود دفاع کند.

*** عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران**

مصلحی روایت هاشمی را تأیید کرد کدخدایی تکذیب

مصلحت علیه مصلحت

روایت حیدر مصلحی و هاشمی‌رفسنجانی از ردصلاحیت رئیس اسبق مجمع تشخیص مصلحت نظام در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ با هم مو نمی‌زند؛ اما سخنگوی شورای نگهبان زیر بار نمی‌رود. وزیر اطلاعات احمدی‌نژاد که نامزد انتخابات خبرگان است و این روزها بسیار فعال شده و علیه احمدی‌نژاد زیاد حرف می‌زند، صراحتا علت ردصلاحیت هاشمی را رأی بالای او در کف جامعه دانسته و گفته هزینه-فایده کردیم، به صلاح نظام نبود که هاشمی تأیید صلاحیت شود. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی دو سال بعد از ردصلاحیتش از نقش حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات دولت احمدی‌نژاد، دراین‌باره پرده برداشت و گفت: «آقای مصلحی وزیر وقت اطلاعات با معاونانش به آنجا (شورای نگهبان) رفته بودند. آیین‌نامه آنها اجازه نمی‌دهد که در بحث‌های انتخاباتی کسی از خارج باشد. با حضور مصلحی مخالفت شده بود که نباید او باشد. خیلی اصرار شده بود که گفتند پس معاونان نباشند و خود مصلحی باشد. یکی از اعضای خبرگان به من خبر داد که مصلحی در جلسه آنها گفته که ما صبح و ظهر و شب به‌طور مرتب آرای آقای هاشمی را رصد می‌کنیم که ساعت به ساعت بالا می‌رود و الان به ۷۰ درصد رسیده است و در این چند روز تا انتخابات اگر همین‌طور بالا برود، ایشان از ۹۰ درصد بالاتر می‌رود و ما مصلحت نمی‌دانیم. چون اگر ایشان بیاید، همه رشته‌های دوره‌های ما را پنبه می‌کند». وزیر اطلاعات دولت دهم هم دقیقا عین همین صحبت هاشمی را تکرار کرده و گفته است: در دوران وزارتم درباره یکی از شخصیت‌ها بررسی‌هایی در کف خیابان انجام دادم که نشان می‌داد اگر این آقا بیاید، رأی می‌آورد. در بررسی‌هایم تأیید صلاحیت و ردصلاحیت آن فرد و هزینه -فایده هرکدام از آنها را مشخص کردم، سپس جمع‌بندی کردم و این جمع‌بندی را به دستگاه‌هایی که باید، ارائه کردم و در نهایت شورای نگهبان از من دعوت کرد بیایم و این هزینه- فایده را توضیح دهم که رفتم و در دو صفحه این موضوع را به آنان گفتم. مصلحی با اشاره به اینکه در این جلسه فقط یکی از آقایان حقوق‌دان شورای نگهبان از من پرسید شخصیت این فرد چه می‌شود؟ افزود: گفتم من با شخصیت کاری ندارم، من دارم هزینه- فایده برای نظام می‌کنم. بر اساس گزارش‌های ما از کف خیابان در سال ۹۲ آقای رفسنجانی پیروز انتخابات می‌بود. یک عزیزی گفت مگر بچه‌حزب‌اللهی‌ها می‌گذارند این اتفاق بیفتد. جمع‌بندی من این بود با توجه به شرایط نظام مصلحت این بود ایشان ردصلاحیت بشوند و دلایل آن را هم نوشتم. فقها و حقوق‌دانان شورای نگهبان هرچقدر در ذهنشان گشتند که یک ان‌قلت در مجموعه من بیاورند، نتوانستند.

شورای نگهبان ملاحظه‌ای دارد که از خانواده هاشمی کسی نباید دیگر بیاید

محمد هاشمی‌رفسنجانی به سایت خبری مدارا گفت: به نظر من طبق گفته آقای کدخدایی خودشان باید تکلیف خودشان را با خودشان روشن کنند و ظلم و آبرویی که بر مبنای گزارش غلط و دروغ بوده باید جبران کنند که آخرین نمونه آن هم در همین ایام و در این انتخابات دیدم و مقام معظم رهبری گفتند که نسبت به کاندیدایی اجحاف شده و باید جبران شود که جبرانی نشده و کاری نکردند. هاشمی‌رفسنجانی افزود: متأسفانه این بیانگر این است که در نظام اسلامی که نباید به کسی ظلم شود و کرامت افراد از بین برده شود، این شورای محترم نگهبان با این ترکیبی که دارد چه کرده با این ملت و عواقب آن چه بوده است. اگر در سال ۹۲ آقای هاشمی‌رفسنجانی روی کار می‌آمد و مدیریت کشور را در دست می‌گرفت، مثل آقای روحانی بود؟ معلوم است که کشور از زمین تا آسمان فرق می‌کرد و مردم در رفاه و آسایش بودند. عضو سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: کارنامه آقای هاشمی‌رفسنجانی مشخص است. گناه این همه اجحاف و ظلم به نظام و مردم بر عهده کیست؟ قطعا بر عهده شورای نگهبان، آقای مصلحی و این گروهی است که مصلحت‌سنجی کردند آقای هاشمی نیاید. محمد هاشمی‌رفسنجانی گفت: آقای مصلحی همان روز در شورای نگهبان گفته بود که اگر آقای هاشمی‌رفسنجانی بیاید ۳۰ میلیون رأی دارد و هاشمی با ۳۰ میلیون رأی قابل کنترل نیست. حرف‌هایی که همان زمان آقای مصلحی در شورای نگهبان زده بود، بعضی از افراد شورای نگهبان آمدند و به آقای هاشمی‌رفسنجانی گفتند که آقای مصلحی آمدند و این گزارش را دادند و تصمیم این است و شما می‌خواهید چه کاری انجام دهید که ایشان هم اقدامی نکردند و گفتند به خدا واگذار می‌کنم. وی ادامه داد: در همان زمان آقای حسن روحانی و علی لاریجانی آمدند و به آقای هاشمی‌رفسنجانی گفتند که شما انصراف دهید وگرنه شما را رد صلاحیت می‌کنند که آقای هاشمی‌رفسنجانی گفت من که با مردم شوخی ندارم که روزی بگویم می‌آیم و یک روز بگویم انصراف می‌دهم. من انصراف نمی‌دهم و آنها هم به نظر خودشان عمل کنند. محمد هاشمی‌رفسنجانی گفت: در مکتب مارکسیست‌ها جمله‌ای وجود دارد که ما قبل از انقلاب که در آمریکا و انجمن‌های دانشجویی بودیم همیشه با این جمله بحث‌ها را مرتب می‌کردیم که چپی‌ها می‌گفتند «هدف وسیله را توجیه می‌کند» اما ما می‌گفتیم که در اسلام ما چنین واژه‌ای نداریم که هدف وسیله را توجیه کند؛ هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و هدف باید خداگونه و مبتنی بر اخلاق اسلامی باشد. ولی الان از نظر شورای محترم نگهبان هدف وسیله را توجیه کرد و اینکه مردم به آقای هاشمی‌رفسنجانی عنایت دارند و به ایشان رأی می‌دهند قابل کنترل نیست و باید رد صلاحیت کنیم و با آبروی ایشان بازی کنیم. برادر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در پایان گفت: من سال ۹۶ به خاطر حرف آقای هاشمی‌رفسنجانی نامزد انتخابات شدم، من را احراز صلاحیت نکردند، پسر من در مجلس ثبت‌نام کرد، احراز صلاحیت نکردند، محسن هاشمی در انتخابات ثبت‌نام کرد که او را هم احراز صلاحیت نکردند؛ بنابراین شورای نگهبان بالاخره ملاحظه‌ای دارد که از خانواده هاشمی‌رفسنجانی کسی نباید دیگر بیاید و به مردم خدمت کند و باید افراد دیگری بیایند که شرایط دیگری داشته باشند.

پشیمان از دعوت مصلحی؟

کدخدایی بلافاصله به سخنان مصلحی واکنش نشان داده و آن را تکذیب کرده است. او پیش‌تر هم واکنش‌هایی به همین روایت مصلحی که البته از زبان هاشمی بیان شده بود داشته است. کدخدایی برخلاف اعلام نظر صریح مصلحی که گفته تأیید صلاحیت هاشمی به صلاح نظام نبوده، مدعی شده بود سخنان مصلحی در شورای نگهبان ربطی به هاشمی‌رفسنجانی نداشت! کدخدایی در واکنش به این اظهارات مصلحی گفته است: «آقای مصلحی هرگز چنین مطلبی را در جلسه شورا بیان نکرد و نسبت به دیگر مطالب کلی ایشان نیز به‌شدت اعتراض شد و اعضا آن را قبول نداشتند. نمی‌خواهم برخورد آقایان را در جلسه با ایشان بگویم. شورا گزارش نهادهای قانونی را بررسی می‌کند و نهایتا بر اساس تشخیص و رأی اعضا نتیجه اعلام می‌گردد». این در حالی است که سخنگوی شورای نگهبان در مصاحبه چند سال پیش خود با روزنامه ایران در پاسخ به این سؤال که «اگر دوباره جلسه بررسی صلاحیت آیت‌الله هاشمی تشکیل می‌دادید و فرضا دولت احمدی‌نژاد، مستقر و مصلحی وزیر اطلاعات بود، باز هم از مصلحی برای حضور در جلسه دعوت می‌کردید؟» گفته بود: «الان اگر بودیم، شاید بهتر بود ایشان دعوت نشود تا این شائبه‌ها ایجاد نشود».

تناقض در ادعاهای کدخدایی

او پیش‌تر هم به روزنامه سازندگی گفته بود: «من هم این مطالب را شنیدم. خیلی ساده‌انگارانه است که فرض کنیم مقامی به شورای نگهبان می‌آید و می‌گوید ایشان رأی می‌آورد و شورای نگهبان هم او را ردصلاحیت کند... اصلا ما در انتخابات ریاست‌جمهوری ردصلاحیت نداریم. پس با جرئت می‌گویم که مرحوم آقای هاشمی اصلا ردصلاحیت نشدند. البته عدم احراز صلاحیت هم در عمل همین معنا را دارد... در مورد آقای هاشمی بحث مطرح شد. ایشان آدم ناشناسی نبودند که منتظر باشیم وزیر اطلاعات اظهارنظر کند و بر آن اساس نظر بدهیم. آقایان جنتی، مؤمن و یزدی از قبل از انقلاب با ایشان حشر و نشر داشتند و حداقل این سه نفر از بزرگان شورای نگهبان از قبل از انقلاب با ایشان محشور بودند. نسبت به ایشان شناخت و نظر داشتند. بقیه اعضا هم شناختی از ایشان به اندازه خودشان داشتند و بر اساس این شناخت و مطالب و مسائلی که از سوی کارشناسان اعلام شد، اعلام نظر کردند. آن زمان آقای مصلحی به شورای نگهبان آمد و مباحث کلان کشوری را مطرح کرد. حتی کسی از ایشان سؤال کرد که آیا نظر شما نسبت به آقای هاشمی منفی است و ایشان جواب داد من اصلا نیامده‌ام درباره آقای هاشمی صحبت کنم. ایشان درباره جریانات کلان کشور و تهدیداتی که کشور دارد و فضای انتخابات صحبت کرد. نکته سوم اینکه برخلاف آنکه برخی می‌گویند وزیر اطلاعات فقط در جلسه بررسی صلاحیت آقای هاشمی به شورای نگهبان رفت، این رسم ما در شوراست و از گذشته هم وجود داشته است... به‌هرحال سخنان ایشان هم ربطی به آقای هاشمی نداشت. وزیر اطلاعات وقت مگر بهتر از آقای یزدی ایشان را می‌شناخت؟ به‌هرحال ارزیابی اکثر افراد در شورا این بود که ایشان برای این دور واجد شرایط قانونی نیستند». این در حالی است که کدخدایی در سال ۹۲ در گفت‌وگو با «شرق» علت ردصلاحیت هاشمی را چیز دیگری اعلام کرده بود و تلویحا آن را به توانایی جسمی و سن‌وسال هاشمی نسبت داده بود: «در مجموع در توانایی‌ها بحث شد که ریاست‌جمهوری دوندگی‌هایی نیاز دارد که مثلا شما الان کسی مثل آقای احمدی‌نژاد دارید که هر لحظه یک جایی است. البته ایشان خودشان تمایل به این کار دارند و بحث سفرهای استانی را هم خودشان ابداع کردند، اما این سفرها از وظایف رسمی رئیس‌جمهوری نیست. لذا با این گستردگی کار، فرد چابکی را می‌خواهیم که مدیریت فعالی را داشته باشد. این بحث توانایی در مجموع مطرح شد، اما نه اینکه مثلا سقف سن ۸۰ تا ۷۰ یا ۸۵سالگی باشد، اصلا چنین چیزی را نمی‌توانیم مطرح کنیم».

دعای فرج به‌جای شکایت

نجات ابراهیمیان، عضو و سخنگوی سابق شورای نگهبان نیز در واکنش به اظهارات مصلحی گفته است: «در زمان ما در جلسات رسمی شورای نگهبان چنین مواردی نبود و برخی از همکاران ما مثل آقای اسماعیلی و بنده قطعا راضی به چنین مصلحت‌سنجی‌هایی نبودیم و دوره ما حداقل در جلسات رسمی اطلاعی نداریم که چنین چیزی رخ داده باشد. آیا یک عضوی در جلسات غیررسمی و در روابط شخصی تحت تأثیر این‌گونه موارد قرار گرفته باشد بنده اطلاعی ندارم. من نمی‌توانم شهادت بدهم که چنین اتفاقی افتاده است یا خیر، اما مسئله درخور بررسی است و باید با جدیت به این موضوع پرداخت». ابراهیمیان در پاسخ به این سؤال که اگر چنین چیزی واقعیت داشته باشد به کدام نهاد باید شکایت کرد؟ گفت: من دعای فرج می‌خوانم بقیه افراد را نمی‌دانم. عباس عبدی هم در توییتی نوشت پیشگوها هم نمی‌توانستند دو دهه پیش بگویند فردی چون هاشمی را یک روحانی درجه چند ردصلاحیت می‌کند. حسام‌الدین آشنا هم در توییتی نوشت: حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین جناب آقای حیدر مصلحی؛ از جنابعالی بابت روشن‌کردن بخشی مهم، حساس و ناشناخته از تاریخ جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران سپاسگزاریم. علی مطهری، نماینده سابق مجلس، در واکنش به این سخنان گفت: «آقای مصلحی می‌گوید در سال ۹۲ به شورای نگهبان گفتم آقای هاشمی‌رفسنجانی رأی می‌آورد، به خاطر حفظ نظام مصلحت نیست تأیید صلاحیت شود و شورا پذیرفت. آقای کدخدایی می‌گوید شورای نگهبان کاری به مصلحت ندارد و مر قانون را عمل می‌کند. به‌راستی تکلیف عدالت و تقوا در این شورا چه می‌شود؟ معمای ردصلاحیت شخصیت‌های محبوب در این دوره نیز حل شد: چون رأی داشتند، برای حفظ نظام رد شدند». دو نماینده اصولگرای مجلس فعلی هم در توییت‌هایی جداگانه اظهارات مصلحی را مصداق نفوذ و بازی در زمین رقیب دانسته‌اند!

جهانگیری: فیلم جلسه را منتشر کنید

اسحاق جهانگیری، معاون دولت و نامزدی که صلاحیتش از سوی شورای نگهبان برای انتخابات ۱۴۰۰ رد شد نیز در رشته‌توییتی در پاسخ به ادعای حیدر مصلحی درباره چگونگی ردصلاحیت هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات سال ۹۲ نوشت: اظهارات دیرهنگام وزیر اطلاعات دولت دهم تأمل‌برانگیز است. چه جریانی با چه رویکردی مصلحت نظام را در ردصلاحیت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که به شهادت تاریخ از استوانه‌های انقلاب و نظام بود، می‌داند؟ بر اساس چه گزارش‌ها و مستنداتی درباره مهم‌ترین مسائل کشور حتی در شورای نگهبان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌شود؟ با اندیشه انقلاب، منطق جمهوریت و قانون اساسی میزان رأی مردم و انتخاب مدیران توانمند حق آنان است، چه مصلحتی بالاتر از این برای ایران؟ حتی امنیت و اقتدار کشور هم با انتخابات حداکثری تأمین می‌شود و هر تقصیر و قصوری در این مهم لطمه به کیان جمهوری اسلامی ایران است. از تاریخ پند بگیریم و نادیده‌گرفتن قانون و حقوق اساسی ملت را در قبال مصلحت‌سنجی‌های امنیتی و سلیقه‌های سیاسی تهدیدی برای جمهوریت، مردم‌سالاری، عدالت، آزادی و امنیت ملی بدانیم. به‌عنوان رئیس ستاد مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲، از شورای محترم نگهبان می‌خواهم که برای جبران حقوق پایمال‌شده و احترام به افکار عمومی به‌جای هرگونه پاسخ‌گویی غیرمؤثر، اقدام به انتشار فیلم و صوت کامل آن جلسه مهم کند.

در نامه‌ای به مقام معظم رهبری صورت گرفت

تظلم‌خواهی محسن هاشمی از عملکرد شورای نگهبان

ایسنا: محسن هاشمی‌رفسنجانی، در نامه‌ای به مقام معظم رهبری از عملکرد شورای نگهبان تظلم‌خواهی کرد. در این نامه آمده است:

محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

با سلام و احترام

شرایط حساس این روزهای کشور، فرزند کوچک شما را بر آن داشت که دغدغه‌هایی را با حضرتعالی در میان بگذارد. ۴۲ سال قبل، جنابعالی به همراه آیات بهشتی، باهنر، موسوی‌اردبیلی و هاشمی‌رفسنجانی، نامه‌ای سرشار از عشق و نگرانی به امام خمینی(ره) نوشتید که اگرچه واژه سلام را در بر نداشت، اما سرشار از آرزوی سلامتی و بی‌تابی برای امامتان بود و ۱۲ سال پیش نیز آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، نامه‌ای به شما نوشت که آن‌چنان مملو از عشق، برادری و خیرخواهی بود که روح آن سلام بر شما و انقلاب بود. امروز از آن جمع یاران، تنها شما مانده‌اید و البته تکیه‌گاه مردمی هستید که از آینده خویش نگرانند. مستحضرید که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پس از عدم تأییدشان در شورای نگهبان فرمودند: «وزیر اطلاعات وقت به شورای نگهبان آمده و توضیحاتی درباره رشد آرایم در نظرسنجی‌ها داده و گفته اگر مرا را تأیید کنند، همه رشته‌های ده‌ساله پنبه خواهد شد». سخنگوی شورای نگهبان این اظهارات را ساده‌انگارانه قلمداد و تکذیب نمود؛ اما اکنون وزیر وقت اطلاعات گفته است: «در شورای نگهبان گفتم: بر اساس گزارشات از کف خیابان در سال ۹۲ آقای رفسنجانی پیروز انتخابات می‌بود. جمع‌بندی من این بود که با توجه به شرایط نظام مصلحت این بود ایشان رد صلاحیت شوند و دلایل آن را توضیح دادم». حال این روزها در جریان عدم احراز صلاحیت برخی از کاندیداهای این دوره ریاست‌جمهوری نیز که حضرتعالی فرمودید ظلم و جفا شده و خواستار جبران توسط دستگاه‌های مسئول شدید، متأسفانه هیچ اقدامی صورت نگرفت. من نیز مانند تعدادی از بزرگواران برای آنکه در فضای انتخابات تأثیر منفی نگذارم، سکوت کردم؛ اما اکنون که این مسائل صراحتا درباره آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مطرح گردیده، از جنابعالی درخواست تظلم‌خواهی دارم. شما بارها فرموده‌اید «انقلاب را بدون مردم بی‌معنا می‌دانید»، اما به نظر اراده‌ای که در کشور در حال تقویت نیز هست، نظر مردم را تزئینی فرض کرده و از هر وسیله‌ای برای تحقق اهداف خود بهره می‌برند و به‌جای احراز صلاحیت، رأی تمایل به نامزدها می‌دهند و این رأی، جایگزین رأی مردم در تشخیص مصلحت و نامزد اصلح‌شده است و امروز که در سایه اقتدار جنابعالی، توصیه و مطالبه بحق شما در مورد جبران از سوی دستگاه‌های مسئول شنیده نمی‌شود، فردا چه بر سر مردم‌سالاری دینی خواهد آمد. لذا در کنار بسیاری از دلسوزان، به‌عنوان فرزندی کوچک از پدر بزرگوارم می‌خواهم همچون گذشته اجازه تغییر مسیر جمهوری اسلامی به حکومت به‌اصطلاح اسلامی را نداده و ایران را از پیچ خطرناک نجات دهید.

ادامه از صفحه اول

آیا از انتخابات گریزی هست؟

اما نباید تلاش‌های به‌ویژه دولت یازدهم در رفع برخی تبعیض‌ها (یک نمونه محرومیت برخی دانشجوها از حق تحصیل را به یاد بیاوریم) و مهار تورم و دیپلماسی و سیاست اقتصادی شایسته را از یاد برد و نباید از یاد برد که هجوم دو نیروی ویرانگر ترامپ و کرونا در این سال‌ها می‌توانست هر مقاوتی را درهم بشکند. تحمیل بزرگ‌ترین تحریم‌های تاریخ بشر به قصد فروپاشی اقتصاد ایران صورت گرفت و به آن معنا بود که همه مجاری فعالیت‌های بازرگانی و تولیدی ایران با بیرون را ببندد تا نه ارزی دست ایرانیان برسد و نه نهاده‌های تولید و کالاهای سرمایه‌ای و ایرانیان بتوانند کالا و خدماتی به جهان عرضه کنند. هدف این تحریم‌ها و پیامد منطقی آن می‌باید سقوط ارزش پول ملی و رکود و تورم و نهایتا ورشکستگی کشور می‌بود. شگفتا که اگر امروز اقتصاد ایران پس از آن حمله‌های مهلک، هنوز آن‌قدری سر پا هست که برخی نامزدهای انتخاباتی در اظهارات شگفت‌انگیز آثار تحریم‌ها را منکر شوند و وعده ادامه زندگی زیر بار تحریم‌های فجیع را بدهند و شگفتا که آگاهانه در تبلیغات انتخاباتی خود اثر تحریم‌ها را بر اقتصاد و زندگی مردم به هیچ می‌گیرند. از سوی دیگر بحران همه‌گیری کرونا سبب کاهش شدید رشد اقتصادی تقریبا در همه کشورها حتی پیشرفته‌ترین اقتصادها شد. دور از انتظار نبود که در زمینه اقتصاد بحران‌زده و تحریم‌شده ایران، همه‌گیری کرونا مزید بر وخامت معیشت و شرایط اقتصادی شود. ما مردمی که با حضور گسترده در انتخابات ۱۳۹۶، رأی به ادامه تنش‌زدایی با جهان و آزادی و رشد اقتصادی دادیم، مثال لشکری بودیم که با شوق، اراده و تدارک لازم راهی نبرد شدیم، اما در میانه راه ناگهان هم دیوانگان در جبهه دشمن به قدرت رسیدند و شیوه‌ها و تسلیحات نامتعارف را علیه ما به کار گرفتند، هم تعداد دشمنان چند برابر شد و هم در زمین زلزله آمد و از آسمان سنگ گداخته بارید. می‌توان از عملکرد دولت به هر اندازه انتقاد کرد، اما نباید این شرایط استثنائی سه، چهار سال اخیر را نادیده گرفت؛ شرایطی که با رفتن فرمانده دیوانه دگرگون شده، باران گداخته قطع شده و زمین آرام و اکنون راه برای حرکت دوباره فراهم است. آیا باید از حرکت و امید به آینده دست شست؟ اکنون مردم سرخورده و ناامید هستند و کاسبان ناامیدی مردم هم کوس شکست مردم را سرمی‌دهند. پس از آن همه خرابی ناشی از تحریم و چند دهه مشکلات انباشته‌شده، امکانات کشور سخت فرسوده و منابع مالی آن شدیدا کاهش یافته است و نیاز به تقویت درونی کشور و عادی‌سازی روابط با جهان بر پایه منافع ملی است. چنین هدفی شاید در کلام آن‌قدر آسان باشد که از زبان جدی‌ترین مخالفان آن هم گفته شود، اما در عمل به تخصص و آگاهی نیاز دارد نه شعار و توهم. به تعهد به منافع ملی و حقوق شهروندی نیاز دارد، نه غوغاسالاری. انتخابات این دوره وضعیت به‌غایت پیچیده‌ای برای مردم ایجاد کرده است. سطح رقابت و برنامه‌ها به چنان درجه‌ای فروافتاده که جز یکی از نامزدها که شجاعانه از وخامت اوضاع و محدودیت‌های منابع کشور و لزوم مشاهده منطقی واقعیت و سیاست‌گذاری عقلانی می‌گوید، باقی نامزدها یا وعده مخارج نجومی بیشتر از خزانه خالی می‌دهند، یا به تحریکات و شعارهای قوم‌گرایانه و محلی‌گرایانه یا هر دو می‌پردازند؛ یعنی توسل به کسب چند هزار رأی به قیمت حراج منافع و منابع کشور. پرسش این است که چاره چیست؟ آیا باید با ناامیدی و دل‌چرکینی از عاملان مصائب کشور گزینه قهر با صندوق رأی را انتخاب کرد یا درک شرایط خطرناک فعلی، گزینه تخصص‌گرایی و واقع‌گرایی را با همه محدودیت‌هایش بر آینده تاریک پوپولیسم و تخصص‌ستیزی ترجیح داد؟ انتخاب البته با مردم است، ولی به گمان نگارنده نباید آینده کشور را تسلیم قضا و قدر کرد. باید مطالبه‌گر بود و کوشید کشور را نجات داد. امروز بلای ترامپ از سر جهان و ایران رفع شده و با فراهم‌شدن امکان واکسیناسیون عمومی، می‌توان از سد بلای کرونا هم گذشت. به این ترتیب، امکان گذشت کشور از شرایط وخیم کنونی و جهش به سوی دیپلماسی و سیاست اقتصادی شایسته با هدف توسعه و آبادانی کشور فراهم است. بدیهی است که چنین جهشی تنها با واقع‌گرایی و تخصص ممکن است، نه با بینش ضد اقتصادی و اندیشه‌های ستیزه‌گر با جهان. به گمان من، مردم و اصلاح‌طلبان در این روزهای مانده به انتخابات مسئولیت گرانی بر دوش دارند و هر انتخابی که کنند، تاریخ درباره آنها قضاوت خواهد کرد. به یاد بیاوریم قضاوت تاریخ درباره عملکرد ما در انتخابات ۱۳۸۴ بسیار ناخوشایند بود. از تکرار ۸۴ بپرهیزیم.

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای انتخاب پیمانکار پروژه تکمیل ابنیه و تاسیسات بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی رزن

شرکت مادر تخصصی توسعه و تجهیز مراکز بهداشتی درمانی و تجهیزات پزشکی کشور در نظر دارد تکمیل ابنیه و تاسیسات بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی رزن را به صورت فهرست بهایی به پیمانکاران واجد صلاحیت واگذار نماید. بدین ترتیب از شرکت های دارای ظرفیت آزاد و تجربه کارهای مشابه دعوت به عمل می آید جهت دریافت و تحویل اسناد مناقصه با برآورد حدودی ۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به شماره ۲۰۰۰۰۰۱۶۲۶۰۰۰۰۰۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند کلیه مراحل برگزاری از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران با حداقل رتبه ۲ ابنیه و ۲ تاسیسات در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازد.

تاریخ انتشار مناقصه درسامانه تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۵ می باشد

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : ساعت ۱۶ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

مهلت زمانی ارائه اسناد و مدارک : ساعت ۱۶ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۴

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف :

۱ - آدرس : شهرک قدس (غرب) بلوار دریا - خیابان گلها - خیابان توحید یکم - پلاک ۹۱ و تلفن ۸۸۵۹۱۳۳۶

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس : ۴۱۹۳۴-۰۲۱

دفتر تماس : ۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۵۱۹۳۷۶۸

شناسه‌آگهی ۱۱۴۷۷۳۱ م الف ۹۶۰